

شخصیت عبادی حضرت فاطمه (س) در آینه احادیث فریقین

محمد عسکری (ممتاز)*

چکیده

شخصیت‌های اسلامی و آشنایی با تاریخ زندگانی آنها از همان قرون اولیه اسلام، به دلیل عشق و علاقه شورانگیز مسلمانان به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بسیار رایج و متداول بوده است؛ اما راهبرد خلفای اولیه در جلوگیری از تدوین حدیث و نیز فشارهای سیاسی حاکمان اموی و عباسی در جلوگیری از بیان فضایل و مناقب اهل بیت (ع) موجب گردیده تا بخش چشمگیری از سیره آن بزرگان در ابهام و تیرگی تاریخی باقی بماند. به‌ویژه درباره حضرت زهرا (علیهاالسلام) که بخش مهمی از زندگانی ایشان نسبت به برخی از دیگر معصومین (ع) مخفی و پنهان مانده و کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. با این وجود بسیاری از اندیشمندان و مؤلفان به ثبت و ضبط گزارش‌ها و نقل وقایع پرداخته و در آیات و احادیث درباره آن حضرت در منابع اسلامی اعم از شیعه و سنی به بررسی ابعاد مختلف زندگانی حضرت زهرا (س) پرداخته شده است، به همین جهت در تحقیق حاضر به بررسی شخصیت عبادی حضرت فاطمه (س) در آینه احادیث فریقین پرداخته ایم و نتایج حاکی از آن است که شخصیت عبادی حضرت فاطمه (س) در اخلاص، خشوع، حضور قلب، دعا، شب زنده داری در احادیث فریقین به صورت متعدد ذکر گردیده است.

واژگان کلیدی: شخصیت، فاطمه، عبادت، حدیث، فریقین

مفاهیم:

در این قسمت از تحقیق برای روشن شدن واژگان کلیدی به تعریف مفاهیم از دیدگاه لغت و اصطلاح خواهیم پرداخت.

۱. فاطمه (س)

فاطمه (س) از ماده «فطم» به معنای جدایی شی از شی دیگر است؛ مثلاً گفته می‌شود مادر فرزندان را از شیر جدا کرد و یا مرد از عادتش جدا گردید. (ابن فارس، مقائیس اللغه، ج ۴، ص ۵۱۰؛ فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۷) بچه را از مادرش جدا کرد. (الاذهری، معجم التهذیب اللغه، ج ۳، ص ۲۸۰۵) از آنچه ذکر می‌شود معلوم می‌شد فاطمه (س) مشتق از فطم به معنای قطع کردن است.

علت نام‌گذاری حضرت فاطمه (س) به این نام به سبب این است که خداوند متعال آن حضرت، ذریه، و دوستارانش را از آتش جدا کرده است، چنانچه در احادیث وارد شده است. جابر بن عبدالله و ابن عباس از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که حضرت فرمود:

«إِنَّمَا سُمِّيَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (س) لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَطَمَهَا وَفَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ؛ دخترم بدین سبب فاطمه (س) نامیده شده است که خداوند متعال او و دوستارانش را از جهنم رهایی می‌بخشد.» (خوارزمی، مقتل الحسین، ص ۹۰؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۳۰)

قال امیرالمؤمنین علی (ع): قال رسول الله: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (س) لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَفَطَمَ مُحِبِّيَهَا عَنِ النَّارِ؛ امام علی از رسول خدا (ص) نقل کرده است که دخترم بدین سبب فاطمه (س) نامیده شده است که خداوند او و دوستارانش را از آتش رهایی می‌بخشد.» (طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۶)

روشن است که فاطمه (س)، اسم فاعل است، ولی در دو حدیث مذکور به معنای صیغه مفعول معنا شده است. از این رو فاطمه (س) به معنای مفظومه (قطع شده از آتش) است، چنانچه در قرآن کریم نیز «عیشه راضیه» به معنای مرضیه آمده است (طارق/۶).

۲. شخصیت

صحبت در رابطه با شخصیت و دادن رای در این زمینه، مستلزم شناخت ماهیت انسان است؛ چرا که قبلاً باید مشخص شود که انسان از چه ساحت‌های وجودی بهره‌مند است، چه صفات و انگیزه‌هایی در وجود او نهفته است، چه کشش‌ها و غرایز و فطریاتی دارد، کدام یک از این خصوصیات او ذاتی است و به طور طبیعی در وی یافت می‌شود و کدام یک از خصوصیات او اکتسابی است. پس شخصیت یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه انسان‌شناسی است که در علوم مختلف انسانی و تربیتی جایگاهی ویژه دارد. این بحث به طور خاص نخستین بار در دانش روان‌شناسی به کار رفته و گرایشی خاص تحت عنوان روان‌شناسی شخصیت را به خود اختصاص داده است. از آنجاکه نگاه قرآن نگاهی وحیانی و نگاه خالق به مخلوق خویش است و نگاه روان‌شناسی، نگاهی علمی در سطح توانایی‌های محدود بشری است؛ الزاماً نمی‌توان بین مفاهیم قرآنی و یافته‌ها و مفاهیم بشری رابطه برقرار کرد. این امر نتیجه مستقیم نگاه‌های متفاوت در این دو حوزه است. بررسی‌های انجام‌گرفته در حوزه معارف قرآنی نشان‌دهنده آن است که قرآن به شخصیت انسان و ابعاد مختلف آن مانند: نفس، قلب، عقل و... توجه کرده است؛ همچنین در قرآن تیپ‌ها و صفات شخصیتی مثبت و منفی در راستای انسان‌سازی ارائه شده‌اند. و در قرآن الگوسازی با شخصیت‌های مثبت یکی از راهکارهای رشد شخصیت انسان ارائه شده و درباره الگوپذیری از شخصیت‌های منفی هشدار داده شده است. همچنین قرآن توانایی‌های عالی انسان را کانون توجه جدی قرار داده و انسان کامل را محور هستی معرفی می‌کند. از نظر قرآن انسان توانایی آن را دارد که از مرتبه وجودی فرشتگان پای را فراتر نهاده، با متصف شدن به صفات الهی در راه کمال و قرب به خدا چنان پیش رود که قرآن می‌فرماید: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (سعید، شرح‌شناسی، ص ۱۱۴) فرشته را یارای همراهی و همپایی با او نباشد. از این‌رو برنامه‌ای منسجم و هماهنگ برای کمال انسان ارائه می‌کند و در این نوشتار شخصیت حضرت زهراء (س) با توجه به ابعاد شخصیتی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. حدیث

احمد بن فارس می‌گوید: (ح - د - ث) یک ریشه دارد، که بر ناپیدایی که پیداشده دلالت می‌کند. گفته می‌شود چیزی پیدا نبود سپس پیدا شد. «حدیث» هم از همین باب است؛ چون سخنی است که اندک، اندک یکی پس از دیگری پیدا می‌شود. (فراهیدی، خلیل، ترتیب العین، ج ۳، ص ۱۷۷)

ابن منظور آورده است که: حدیث آن است که گوینده آن را به زبان می‌آورد، و بدین معنا تفسیر شده است کلام الهی «و إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا» (ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۶) که مراد، مطلق کلام است. (تحریم/سوره ۶۶، آیه ۳، ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۷)

۴. فریقین

فریقین یا فریقان به معنای دو فریق و دو گروه است. در کتاب‌های مسلمانان معمولاً برای اشاره به دو مذهب اصلی دین اسلام یعنی شیعه و اهل سنت استفاده می‌شود. (محدثی، فرهنگ غدیر، ۱۳۸۵ش، ص ۴۶۵) بر همین اساس اصطلاحاتی مثل منابع یا کتاب‌های فریقین، روایات فریقین، علمای فریقین، فقهای فریقین و اعتقادات فریقین رایج شده است. (محدثی، فرهنگ غدیر، ۱۳۸۵ش، ص ۴۶۵) برخی بر اساس حدیثی از امام عسکری (ع) گفته‌اند که کلمه جائین نیز به همین معناست و برای اشاره به شیعه و اهل سنت به کار می‌رود. (محدثی، فرهنگ غدیر، ۱۳۸۵ش، ص ۴۶۵) اصطلاح فریقین گاه برای اشاره به جنیان و انسان‌ها نیز به کار رفته است. (فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۴۳)

شخصیت عبادی حضرت فاطمه (س)

حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان برترین بانوی اسلام می‌باشد و آن چنانکه در روایات شیعه و اهل سنت تصریح شده ایشان برترین بانوی دو عالم و یا برترین بانوی بهشتی می‌باشند و لقب «سیده النساء العالمین» را برای آن حضرت ذکر کردند. از این رو هیچ شکی نیست که مقام و جایگاه حضرت صدیقه طاهره (س) در اسلام و میان مسلمانان یگانه می‌باشد، زیرا منابع و مصادر روایی و حدیثی مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت در بردارنده حجم زیادی از روایات دال بر فضایل و مناقب آن حضرت می‌باشند و از این دست روایات به خوبی مشخص می‌شود که در میان گروه‌های مختلف اسلامی دختر رسول خدا (ص) حائز مقامی رفیع و بی‌بدیل می‌باشد. انتساب سوره کوثر به ایشان و ادامه نسل پیامبر اکرم (ص) از طریق دخت گرامیشان نیز بر این مقام و جایگاه دلالت دارد. در اینجا به بیان شخصیت حضرت زهرا (س) در منابع می‌پردازیم. از جمله دلایلی که برای نامیده شدن حضرت به نام فاطمه (س) در لسان معصومین آمده است، سختی شناخت این بانو است:

از امام جعفر صادق (ع) راجع به تفسیر سوره مبارکه قدر نقل شده است که فرمودند: معنای کلمه «لیلة» در آیه یکم این سوره مبارکه حضرت فاطمه (س) است، و معنای کلمه «قدر» یعنی خدا، پس کسی که فاطمه (س) را آن‌طور که باید و شاید بشناسد، لیلة‌القدر را درک کرده است. حضرت زهرا (س) بدین لحاظ فاطمه (س) نامیده شد که مخلوقات از شناخت کامل او ناتوان هستند.

استاد جوادی آملی دو دلیل را در این باره ذکر کرده‌اند: اول نیاز به کسب طهارت روحی و جسمی که مربوط به جویندگان می‌شود، و دوم هم زمانی تولد و شهادت این بانو با نزول قرآن و قطع وحی که از ویژگی‌های خاص ایشان است، آیت‌الله جوادی در این باره می‌نویسد:

«شناخت حضرت زهرا (س) چونان معرفت قرآن کریم، مشروط به طهارت از لوث حس و خیال و روث وهم و گمان و فرث تمثیل و تشبیه و دم مفهوم و ذهن است؛ زیرا حقیقت آن بانو همچون سایر اهل بیت عصمت همتای قرآن مجید است و حدیث شریف و متواتر نقلین شاهد صادق آن است و تماس علمی با قرآن کریم بدون طهارت روح و نزاهت دل میسور

نیست؛ چه اینکه تماس بدنی با الفاظ این کتاب آسمانی بدون طهارت ظاهری روا نخواهد بود. (سوره واقعه، ۷۷-۷۹) هرچند همه عترت طاهرين معادل قرآن کریم اند، لیکن حضرت فاطمه (س) خصیصه‌ای دارد که در دیگر معصومان نبوده و نیست و آن اینکه این بانو نه تنها معادل قرآن بود؛ بلکه مصاحب و معاصر و همراه و هم‌آوای با آن بود، به طوری که آن حضرت و قرآن با هم از فراطبیعت به طبیعت آمدند و هم‌زمان طبیعت را وداع کردند و عمر طبیعی آنها منقطع شد. گرچه حقیقت آنها مخصوصاً قرآن برای ابد باقی است. آنچه در صعوبت شناخت حضرت فاطمه (س) وارد شده است که مردم از معرفت آن بانو محروم و ممنوع‌اند، ناظر به همین مطلب است. حتی برای بسیاری از صاحب‌بصران شاهد، مشهود نخواهد بود. ادراک کنه چنین انسان کامل و جامعی میسر نیست؛ لیکن آنچه مقدر نیست مورد دستور نیست و آنچه مورد تکلیف است، معسور نیست». (جوادی آملی، سروش هدایت، ج ۲، ص ۱۳۶ - ۱۳۸)

۱. اخلاص

یکی از شروط و مقدمات عبادت، یگانه‌دانستن خداوند متعال از هرگونه شرکی است. حضرت فاطمه (س) درباره حرمت شرک می‌فرماید: خداوند حرام‌بودن شرک را برای اخلاص در توحید و بندگی قرار داد. (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱ ص ۹۷) حضرت در کلامی دیگر در رابطه با عبادت خالصانه چنین فرموده است:

کسی که عبادت‌های خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پروردگار برترین مصلحت او را به سویش فرو می‌فرستد. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵۰)

علامه جوادی آملی درباره این کلام نورانی (مَنْ أَسْعَدَ إِلَى اللَّهِ...) حضرت فاطمه (س) نوشته‌اند:

«این کلام فاطمی مأخوذ از وحی نبوی است. (سوره فاطر/۱۰) کسی که در پی کسب عزت درآید، بداند که عزت همه‌اش نزد خدا است، و کلمه طیب به‌سوی او بالا می‌رود و عمل

صالح آن را در بالاتر رفتن یاری می‌دهد و کسانی که با گناهان خود با خدا نیرنگ می‌کنند، عذابی سخت دارند و مکر آنان بی‌نتیجه خواهد بود.» البته اعتقاد طیب، خلق طیب و عمل صالح هرگز از انسان طاهر جدا نیست تا به تنهایی صعود کند و صاحب خود را که متقدم به اوست رها کند؛ بلکه در صحابت انسان طاهر معتقد و متخلق و عامل بالا می‌رود و بالا رفتن به سوی خدای سبحان با بالندگی و برازندگی همراه است و حتماً چنین انسانی اسوه‌ای چون فاطمه (س) دارد.» (جوادی آملی، سروش هدایت، ج ۲، ص ۱۴۱)

در این زمینه حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) عبادت مخلصانه را توضیح می‌دهد: «عبادت خالص این است که آدمی جز به پروردگارش امید نبندد و جز از گناه خویش نترسد.» (تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۱۹۹)

در برخی از روایات درباره اخلاص در نیت آمده است که خداوند متعال به واسطه اخلاص حضرت فاطمه (س) (س)، او را وارث ارث و نسل رسول خدا (ص) قرار داد: بزل هروی از حسین بن روح سؤال کرد و گفت: «دختران پیامبر اکرم چند نفر بودند؟ گفت: چهار نفر، گفت کدام یک از آنان افضل بودند؟ گفت: فاطمه (س)، گفت: چرا! در صورتی که فاطمه (س) از همه کوچکتر و کمتر از همه با رسول خدا (ص) زندگی کرد؟ گفت: برای دو خصلت بود که خدا او را به این مقام اختصاص داد: نخست اینکه وی وارث پیامبر خدا (ص) بود؛ دوم اینکه نسل پیامبر اکرم (ص) از وی به یادگار ماند. خدای حکیم فاطمه (س) را به جهت آن خلوص نیتی که داشت، بدین مقام اختصاص داد.» (طوسی، الغیبة، ص ۳۸۷؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۲۳؛ مجلسی، بحارالانوار ج ۴۳ ص ۳۸)

همچنین در تأیید و توضیح کلام حضرت فاطمه (س) می‌توان به حدیثی قدسی زیر اشاره کرد که به واسطه عبادت خالصانه، خداوند زمام کارهای انسان را به عهده می‌گیرد:

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند متعال فرمود، چون اطلاع پیدا کنیم به قلب کسی که محبت خالص و علاقه جدی به عبادت و طاعت من داشته، و تنها نیت و مقصد او تحصیل رضا و دست آوردن مقام بندگی است، درحقیقت خودم به سیاست و تنظیم امور او مباشرت کرده و به او نزدیک می‌شوم.» (منسوب به امام صادق (ع)، مصباح الشریعة ترجمه حسن

مصطفوی، ص ۹۱)

همان طور که در هر عملی، نیت و عمل هر دو باید صحیح باشد، اخلاص کامل نیز آن است که نیت و عمل هر دو را شامل شود و حق هر یک باید ادا شود؛ چراکه همواره نیت‌ها پشتوانه اعمال هستند و یکی از معیارهای اساسی در تقسیم شایستگی‌ها در جهان خلقت میزان صداقت نیت‌ها است:

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر که نیتی در دل داشته باشد، خداوند لباس همان نیت را بر او بپوشاند، اگر خیر باشد آن هم خیر است، و اگر بد باشد، آن هم بد است.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۹۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۷) به این ترتیب، عبادت خالصانه گشایش‌گر درب امدادها و رحمت الهی در زندگی است و این از جمله امور مشهود و معلوم در زندگی حضرت فاطمه (س) است، کسی که از بدی‌ها بریده شده، (شیخ صدوق، امالی، ص ۵۹۲؛ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۴) از این دنیا تلاوت قرآن و نگاه در چهره رسول خدا (ص) و انفاق در راه خدا را برگزیده است، (دستی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (س)، ص ۱۹۷) حاجتی جز تماشای دائم جمال الهی ندارد و قلب و روحش مملو از یاد خدا شده، (راوندی، الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۵۳۰؛ طبری آملی، دلائل الائمة، ص ۴۸) خداوند نیز در این راه یاری‌گر اوست. لذا می‌توان گفت هرکس به قدر کوشش خود در انجام عبادات خالصانه از رحمت و مدد الهی برخوردار می‌شود. کسی که از خدا بترسد خدا برایش راه نجاتی از گرفتاری‌ها قرار می‌دهد و از مسیری که خود او هم احتمالش را ندهد، رزقش می‌دهد و کسی که بر خدا توکل کند خدا او را به حال خود رها نمی‌کند خدا دستور خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

۲. خشوع

خداوند به خضوع حضرت فاطمه (س) در نماز افتخار می‌کند و اجر او را امان شیعیان از آتش قرار داده است در روایت می‌خوانیم:

هر وقت در محراب خود برابر پروردگارش بایستد، نورش بفرشتگان آسمان بتابد، چنانچه

نور اختران بر زمین بتابد و خدای عزوجل به فرشتگانش فرماید: فرشتگانم ببینید کنیزم فاطمه (س)، سرور کنیزان را که در برابرم ایستاده و دلش از ترسم می لرزد و دل به عبادتم داده، گواه باشید که شیعیانش را از آتش امان دادم. (صدوق، امالی، ص ۱۱۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲ و ج ۲۸، ص ۳۷)

۳. حضور قلب

فرشتگان به حضور قلب کسی که خداوند او را پاک گردانیده و برگزیده سلام می فرستند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «دختر من فاطمه (س) بزرگ زنان عالمیان از اولین و آخرین است. هنگامی که او در محراب عبادت می ایستد هفتاد هزار فرشته مقرب به او سلام می کند و او را همان گونه که حضرت مریم را ندا می کردند مورد خطاب قرار داده و می گویند: خداوند تو را برگزیده و از همه پلیدی ها پاک کرده و بر زنان عالمیان برتری داده است.» (صدوق، امالی، ص ۴۸۶؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۶۰)

۴. دعا و ذکر

رسول گرامی اسلام (ص) به فاطمه (س) زهرا (س) فرمود: دخترم آیا دوست داری دعایی را به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی خواند مگر آنکه خواسته های او تحقق پذیرد؟ حضرت فاطمه (س) عرض کرد: پدر جان چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است، نزد من محبوب تر است. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۵)

خداوند در قرآن کریم هدف آفرینش را عبادت جن و انس ذکر کرده است: «و من جن و انس را نیافریدم، مگر برای اینکه عبادتم کنند. و من از آنان نه رزقی می خواهم و نه می خواهم چیزی به من بچشانند.» (ذاریات، ۵۶)

همچنین در قرآن کریم، دعا وسیله رشد معرفی شده است: «و چون بندگان من از تو سراغ مرا می گیرند بدانند که من نزدیکم و دعوت دعاکنندگان را اجابت می کنم، البته در صورتی که مرا بخوانند، پس باید که آنان نیز دعوت مرا اجابت نموده و باید به من ایمان آورند تا شاید رشد یابند. (بقره، ۱۸۶)

در احادیث، دعا از جمله راه‌های عبادت و نزدیکی به خدا است که عبادات دیگر در این مرتبه به آن نمی‌رسند. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «دعا کن و مگو سرنوشت ما مقدر است. همانا در پیشگاه خدای عزوجل مقام و منزلتی وجود دارد که جز با نیایش و دعا به دست نیاید. اگر کسی دهانش را ببندد و دعا نکند عطائی دریافت نمی‌کند. بنابراین دعا کن تا بدهند. هر دری که بکوبند، بالاخره باز می‌شود. بر شما باد که دعا و نیایش کنید. آن چند که شما با دعا و نیایش به خدا نزدیک می‌شوید، با هیچ عبادتی تا آن حد به خدا نزدیک نمی‌شوید. برای نیازمندی‌های ناچیز و حوائج کم‌بها دعا کنید تا هرچه بیشتر دعا کرده باشید. هرکس بتواند نیاز کوچک خود را دریافت کند، نیاز بزرگ خود را نیز دریافت می‌کند.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶؛ ابن‌فهد حلی، عدة الداعی، ص ۴۰)

در روایت دیگری ذکر شده که دعای مؤمن از سه حال خارج نیست که در هر صورت زیبایی در آن نیست و برای او فایده دارد. یا برایش ذخیره می‌شود (و در آخرت به او سود می‌دهد)، یا در دنیا مستجاب می‌گردد، و یا بلائی را از او می‌گرداند (و این برحسب اختلاف مصالح است). (ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۷) به این ترتیب وقتی که خداوند همیشه رحمان است، ما نیز همه شب‌هایمان ليله الرغائب است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹۸؛ سید بن طاووس، الاقبال، ص ۶۳۲)

از حضرت فاطمه (س) روایت شده است که از رسول خدا (ص) شنیدم می‌فرمود: همانا در (روز) جمعه ساعتی است که مرد مسلمان هر امر خیری از خدای باعزت و جلال تقاضا کند به او عطا فرماید. پس عرض کردم: ای رسول خدا، کدام ساعت است؟ حضرت فرمود: هنگامی که نصف قرص خورشید از افق غروب کند و نصف دیگر آن فوق افق باشد (یعنی در حال غروب آفتاب) پس حضرت فاطمه (س) به غلامش می‌فرمود: بر پشته‌ها و بلندی‌ها بالا رو، چون دیدی که نصف قرص خورشید از افق غروب کرده، به من اعلام کن تا دعا کنم. (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۸۴؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۹۹)

حضرت برای همه پی‌درپی دعا می‌کند، ولی برای خویش دعا نمی‌کند:



از حضرت امام حسن مجتبی (ع) روایت شده که فرمودند: شب‌های جمعه فاطمه (س) اطهر را می‌دیدم تا طلوع صبح مشغول رکوع و سجود بود، می‌شنیدم که مادرم برای مؤمنین و مؤمنات دعا می‌کرد و نام ایشان را می‌برد و مکرراً برای آنان دعا می‌کرد، ولی برای خویشان دعا نمی‌کرد. به مادرم می‌گفتم: پس چرا برای خود دعا نمی‌کنی، همچنان که برای دیگران دعا می‌کنی؟! فرمود: ای پسر عزیزم، اول همسایه، سپس اهل خانه. (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۲۴؛ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۱)

علامه طباطبایی (ره) درباره آداب دعا در آیات و روایات این گونه آورده است: «آیات شریفه قرآن مانند آیه ۱۴ غافر، ۵۵-۵۶ اعراف، ۹۰ انبیا، ۳-۴ مریم، ۲۶ شوری و آیات دیگری که مناسب باب دعا است، این آیات ارکان اصلی دعا و آداب دعاکننده را که عمدتاً اخلاص در دعا، مطابقت قلب و زبان، بریدگی از اسباب ظاهری و توسل به خدای تعالی است، بیان می‌کند. آداب دیگری را هم روایات به آن ملحق کرده است: از قبیل خوف و طمع، رغبت و رهبت، خشوع و تضرع و ذکر، عمل صالح، ایمان، ادب حضور، و امثال آن.» (طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۸) در روایات نیز آمده است که دعا در حق همه به استجاب نزدیک تر است. از امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) آمده است: «هرگاه یکی از شماها دعا کند، برای همه دعا کند زیرا که آن مستجاب تر است.» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۶)

۵. شب‌زنده‌داری

همه شب‌های حضرت منور و زیباست؛ اما به سه شب توجه ویژه شده است. او که خود شب قدر است، مقام شب قدر را حفظ کرده و پاس می‌دارد. حضرت فاطمه (س) (ع) هیچ‌یک از اهل خانه خود را نمی‌گذاشت که در آن شب بخوابند و برای اینکه خوابشان نبرد غذای کمتری به آنان می‌داد و از روز، خود را برای شب زنده‌داری آماده می‌کرد و می‌فرمود: محروم است کسی که از خیر این شب بی‌بهره ماند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۰؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷)

شب‌زنده‌داری و پرداختن به دعا و نماز و رازونیز با معبود از امور مستحبی است که در

قرآن کریم و روایات سفارش فوق العاده و تأکید شده است و آثار و فواید زیاد دنیوی و آخروی برای شب زنده داران و سحرخیزان ذکر شده است: «پهلوهایشان را از رختخواب‌ها دور می‌کنند، پروردگارشان را با بیم و امید می‌خوانند و از آنچه روزیشان کردیم انفاق می‌کنند.» (سجده، ۱۶)

وجود ویژگی‌ها و خصوصیات ذاتی حضرت فاطمه زهرا (س) را نیز باید مورد توجه قرار داد. چرا که آن حضرت با این که عمری کوتاه داشتند اما همین زمان کوتاه کافی بود تا برترین ویژگی‌ها و خصوصیات ایشان تجلی یابد. به طوری که می‌دانیم از همان زمان طفولیت که مادر گرامی خود را از دست دادند و در کنار پدر بزرگوارشان رسول خدا (ص) بودند چنان رفتار می‌کردند که به ام ابیها یعنی مادر پدرش مشهور گشتند. بیان چگونگی رفتار و عملکرد ایشان زمانی که هنوز ازدواج نکرده بودند و به عنوان دختر رسول خدا (ص) حضور داشتند مجال دیگری را می‌طلبد.

به خاطر همین ویژگی‌های فردی و شخصیتی است که از وقتی حضرت صدیقه طاهره (س) به عنوان همسر و شریک زندگی امیر مومنان علی (ع) وارد خانه آن حضرت می‌شود، محبوبیتی بی‌همتا در نزد آن حضرت می‌یابد و همواره خانه آنها محفل عشق و صفا و دل‌دادگی به خالق بی‌همتا می‌شود. چنانکه وقتی از امیرالمومنین علی (ع) درباره ویژگی‌های حضرت زهرا (س) سوال شد، در وصف این بانوی بزرگ فرمود: «فاطمه بسیار مددکار و یاری‌کننده من در عبادت و طاعت خداوند بود؛ نعم العون علی طاعه الله». همراهی در مسیر بندگی و عبودیت خدای متعال بارزترین ویژگی حضرت زهرا (س) در چشم همسرش امیر مومنان (ع) است.

رسول خدا (ص) نیز درباره ویژگی و خصوصیت برجسته حضرت زهرا (س) فرمودند: «دخترم فاطمه، قلب و تمام جوارحش مملو از ایمان و یقین گشته، به طوری که بالاتر از آن مرتبه، ایمان و یقینی قابل تصور نیست». پس ایمان و اطاعت خداوند برترین صفت حضرت فاطمه (س) می‌باشد که این ویژگی در همسررداری و مادری ایشان نیز کاملاً متجلی شده و چنین خانواده‌ای می‌تواند به حدی از ایمان و اخلاص و یقین برسد که سه شب متوالی غذای

افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر بدهد و خداوند نیز این اخلاص آنها را برای همه مسلمانان در ضمن آیات سوره انسان به تصویر می کشد.

از طرفی مهمترین نشان تعبد و بندگی این است که زندگی انسان خدامحور باشد و با عبادت خداوند همراه گردد؛ زیرا عبادت جلوه‌ای از عبودیت است که بیانگر دلدادگی به خالق می باشد. عبادت‌های حضرت زهرا (س) این عبودیت را در حد اعلی نشان می دهد، به طوری که عشق به خدای متعال در زندگی آن حضرت موج می زند.

امام حسن مجتبی (ع) این عبادات مادر خود را که از نزدیک شاهد بوده، چنین توصیف می کند: من در دوران کوچکی به سر می بردم و مادرم را می دیدم که چگونه به راز و نیاز می پردازند. از جمله شبی مادرم در محراب عبادت به نماز ایستاده و مرتب به رکوع و سجود می پرداخت و در این حال بود تا اینکه شب به پایان رسید و صبح شد.

حسن بصری که خود در قرن نخست هجری به زهد و عبادت مشهور است می گوید: در میان این امت، عابدتر از فاطمه (س) یافت نمی شود؛ او به حدی برای عبادت می ایستاد که پاهایش متورم می شد.

بر اساس آنچه گفته شد حضرت فاطمه زهرا (س) در دوران کوتاه عمر خود با عبادت خدای متعال به رفیع ترین قله های بندگی نایل آمد و با تکیه بر همین خدامحوری به مقام والای «سیده النساء العالمین» رسید. همین عبودیت و بندگی خدای متعال او را به مقام صدیقه کبری رساند و این صدیق بودن به بندگی خدا ارتباط مستقیم دارد.

نتیجه

وقتی به سیره عبادی حضرت زهرا و دیگر معصومان توجه می کنیم این سوال پیش می آید که وقتی ائمه این اهتمام خاص را نسبت به عبادت داشتند می توان گفت که زمان آنها و اقتضائاتی که در دوره آنها وجود داشته با زمانی که ما در آن وجود داریم، طبیعتاً یک سری تفاوت هایی دارد. مشغله های امروزی با مشغله های آن روزی متفاوت است. دغدغه های امروز از دغدغه های آن روز فاصله گرفته. همچنین مشکلات روحی و روانی جامعه ای که در

آن وجود داریم بسیار زیادتر از آن زمان است.

با وجود این سیره، آیا تبعیت ما از آن در رسیدگی به امور اجتماعی اختلال ایجاد نمی کند، چه فرصتی برایشان باقی بود برای انجام امور دیگری از قبیل امور سیاسی، اجتماعی و خانوادگی در مرحله اول این نکته را باید توجه داشته باشیم که تمامی عبادت منحصر به نماز خواندن و قرآن خواندن نیست. گرچه هیچ چیزی هم به پای این دو نمی رسد. عبادت و بندگی خدا، انجام دادن تمامی اعمال است در راه خدا. چنانچه شما در زندگی تان این معیار را رعایت کنید و این معنا و مفهوم را بپذیرید هر کاری را که انجام می دهید، براساس حدیث حضرت زهرا(س) که شما اگر اعمال خالصتان را به سوی خدا بفرستید خداوند بهترین مصلحت را برای شما نازل می کند، همه اعمالی را که برای خدا انجام می دهید به نحوی شما را در جاده عبادت و سیر به سوی خدا قرار می دهد.

در مرحله دوم، باید زمان شناس باشیم. اگر زمان شناس باشیم، اهم و مهم زندگی خود را بدانیم و همه اینها را در مسیر و طریق الی الله به کار ببریم و نیتمان عبادی باشد و در عین حال به امورات معیشتی و اجتماعی هم به نحو احسن پردازیم منافاتی بین اینها وجود ندارد.

فہرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ہشام، عبدالملک، سیرۃ النبی، ناشر، دار الجیل بیروت: ۱۴۱۱.
۲. احمد امین، زعماء الاصلاح فی العصر الحدیث، قاہرہ: ۱۹۴۸.
۳. اصلاحی، شرف الدین، مستشرقین، استشراق اور اسلام، معارف دار المصنّفین اعظم گڑھ: ۱۹۸۶.
۴. اکرم، محمد، استشراق، شعبہ اردو دائرہ معارف اسلامیہ پنجاب یونیورسٹی لاہور: ۲۰۰۲.
۵. امیرعلی، سید، روح اسلام (مترجم، محمدہادی حسین)، ادارہ ثقافت اسلامیہ، لاہور: ۱۹۹۲.
۶. انوری، حسن، فرہنگ بزرگ سخن، سخن، چاپ دوم، تہران: ۱۳۸۲ ش.
۷. پرویز غلام احمد، مطالب الفرقان، ادارہ طلوع اسلام، لاہور: ۱۹۸۱.
۸. ٹ، سیڈبلیو، سرسید فکر اسلامی کی تعبیر نو (مترجمین، قاضی افضل/اکرام چغتائی) القمر انٹرنیشنل، لاہور: ۱۹۹۸.
۹. ثانی، محمد، رسول اکرم اور رواداری، فضلی سنز لمیٹڈ، کراچی: ۱۹۹۸.
۱۰. ثناو اللہ، قرآن کے بارے میں مستشرقین کے نظریات اور چند اعتراضات کا... القلم ۲۰۰۹.
۱۱. چارلس سی ادم، اسلام اور تحریک تجدید (مترجم، سالک)، مجلس ترقی ادب، لاہور ۲۰۰۲.
۱۲. حالی، مولانا الطاف حسین، حیات جاوید، ہجرہ انٹرنیشنل، لاہور: ۱۹۸۴.
۱۳. دہخدا، علی اکبر، لغت نامہ دہخدا، دانشگاه تہران، چاپ دوم، تہران: ۱۳۷۷ ش.
۱۴. دہلوی، شاہ ولی اللہ، حجة البالغة، دارالمعرفة بیروت: طبع ۲، ۲۰۰۴.
۱۵. دیکھئے: اکمل ایوبی، مستشرقین اور تاریخ ترکی، در ماہانہ، معارف اعظم گڑھ،

۱۹۸۳.

۱۶. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، قاہرہ: ۱۳۷۵.

۱۷. السباعی، مصطفیٰ، الاسلام والمستشرقون، مترجم سلمان شمسی ندوی، ادارہ اسلامیات، لاہور ۱۹۷۱.

۱۸. سرسید احمدخان، تفسیر القرآن مع اصول تفسیر، دوست ایسوسی ایٹس، لاہور: ۱۹۹۵.

۱۹. سعید، ادوارد، شرق شناسی، مترجم، مقتدرہ قومی زبان، پاکستان: ۲۰۰۵.

۲۰. سید عبداللہ، سرسید... اردو نثر کا فنی و فکری جائزہ، مقتدرہ قومی زبان، اسلام آباد: ۱۹۹۴.

۲۱. شبلی اکیڈمی، اعظم گڑھ، اسلام اور مستشرقین، دار المصنّفین، یو پی (الہند): بی تا.

۲۲. طنطاوی جوہری، الجواهر فی تفسیر القرآن، بیروت: ۱۹۹۱.

۲۳. طہ حسین، مستقبل الثقافت فی مصر، قاہرہ: ۱۹۳۸.

۲۴. ظفر، عبدالرؤف، اسوہ کامل، نشریات اردو بازار، لاہور: ۲۰۰۹.

۲۵. عبدالحق، دی اسٹینڈرڈ انگلش اردو ڈکشنری، انجمن اردو پریس، دکن: ۱۹۳۷.

۲۶. عبده، محمد، تفسیر سورہ العصر، قاہرہ: ۱۹۲۶.

۲۷. عزیز احمد، پروفیسر، برصغیر میں اسلامی جدیدیت، ادارہ ثقافت اسلامیہ، لاہور: ۱۹۷۹.

۲۸. علی عبدالرزاق، الاسلام و اصول الحکم، قاہرہ: ۱۹۲۵.

۲۹. فاکر میبدی، محمد، مبانی تفسیر روایی، فرهنگ و اندیشہ اسلامی، قم: ۱۳۹۱.

۳۰. فرخ، عمر «الاستشراق، مالہ- وماعلیہ» الاستشراق والمستشرقون، اپریل - مئی: ۱۹۸۹.

۳۱. قادیانیت: مطالعہ و جائزہ، مجلس نشریات اسلام، کراچی: ۱۹۸۱.

۳۲. قاسم امین، تحریر المرآة، قاہرہ: ۱۸۹۹.

۳۳. لاہوری، محمدعلی، بیان القرآن، احمدیہ انجمن اشاعت اسلام، لاہور: ۱۳۷۷
ق.۵.
۳۴. مترجم غلام احمد حریری السنہ و مکانتها فی التشريع الاسلامی، ملک سنز
پبلشرز، فیصل آباد ۲۰۰۶.
۳۵. محمد ارشد، اسلام اور مغرب، فکر و نظر، ادارہ تحقیقات اسلامی، اسلام آباد:
۲۰۰۶.
۳۶. محمد علیم، انسان نے کیا سوچا، طلوع اسلام ٹرسٹ، لاہور: ۱۹۹۱.
۳۷. محمد علیم، علوم الحدیث فنی فکری تاریخی مطالعہ، ادارہ نشریات، لاہور:
۲۰۰۹.
۳۸. محمد اکرام شیخ، موج کوثر، ادارہ ثقافت اسلامیہ، لاہور: ۱۹۹۲.
۳۹. معلوف، لويس، المنجد فی اللغة والاعلام، طبع ۲۳، المكتبة الشرقية، بیروت:
۲۰۰۳ م.
۴۰. ممتاز، عورتوں کی حقوق، انصار پبلیشرز، اردو بازار ۱۹۷۶.
۴۱. ممتاز علی، حقوق نسوان، لاہور: ۱۸۹۸.
۴۲. میرٹھی، مولانا بدر عالم، ترجمان السنہ، مکتبہ رحمانیہ اردو بازار، لاہور: بی تا.
۴۳. نثار احمد، مستشرقین اور مطالعہ سیرت، نقوش ادارہ فروغ اردو، لاہور: ۱۹۸۵.
۴۴. الندوی، ابوالحسن علی، الاسلامیات بین کتابات المستشرقین، مؤسسۃ الرسالۃ،
بیروت: ۱۹۸۶.
۴۵. ہاشمی، عبدالقدوس، ماہنامہ فکر و نظر، اسلام آباد: ۱۹۶۹.
۴۶. ہیکل، محمد حسنین، حیاة محمد، مکتبۃ نہضۃ المصریہ، القاہرہ: ۱۹۷۴.